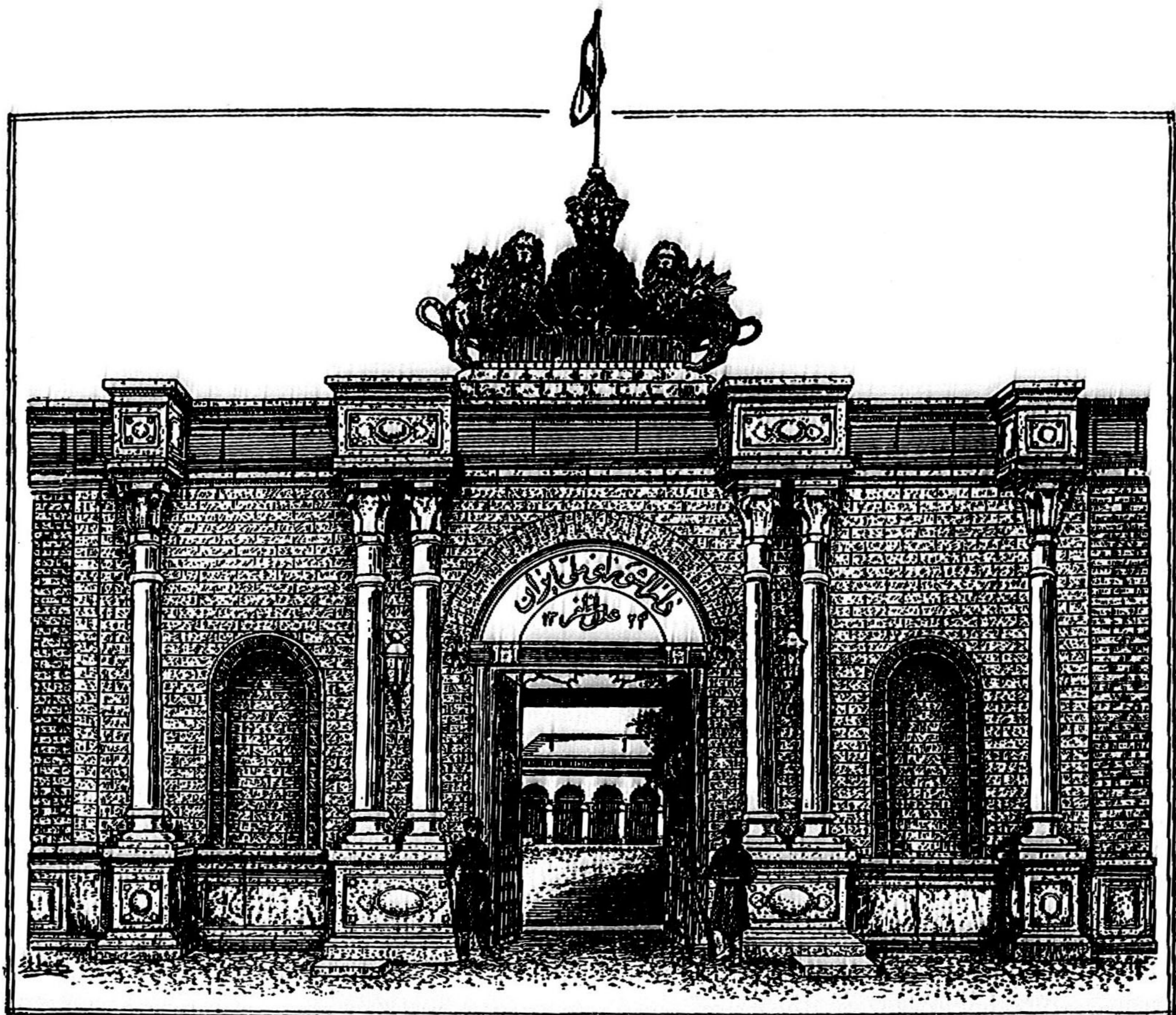


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۲۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۸۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۶ تیر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۸ ذیحجه ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قراوت خبر شعبه دوم راجع بانتخابات سراب و گرمهرود و نمایندگی آقای مولوی و مخالفت حاج میرزا مرتضی	۱۸۱۶	۱۸۱۷
۲	نصوب مرخصی آقا بان محمدولی میرزا - میرزا عبدالله خان و ثوق - احتشام زاده - نوبخت	۱۸۱۷	۱۸۱۸
۳	مذاکره اسبت بخبر کمیسیون بودجه راجع بشهریه ورثه امیر سیف الدین میرزا جهانبانی و ارجاع آن بکمیسیون	۱۸۱۸	۱۸۲۴
۴	بقیه شور اسبت بخبر کمیسیون بودجه راجع با استخدام سه نفر متخصص برای تلگراف بی سیم و نصوب آن	۱۸۲۵	۱۸۲۵
۵	قانون اجازه استخدام سه نفر متخصص تلگراف بی سیم تبعه فرانسه	۱۸۲۶	



مذاکرات مجلس

دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۶ تیرماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۸ ذیحجه ۱۳۴۵

جلسه ۱۲۴

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: اسفندیاری - نظام مافی - ضیاء - حیدری مکرری
 زعیم - فرشی - موقر - غلامحسین میرزا - دکتر لقمان - میرزا
 حسن خان وثوق -

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس روز یکشنبه چهارم
 تیرماه را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان: علی خان اعظمی - حشمتی - نوبخت - حاج حسن
آقا ملک -

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: عراقی - فرمند - دیوان بیکی - میرزا
عبدالله خان وثوق -

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان: نگهبان - میرزا محمد تقی طباطبائی - بالیزی
میرزا احمد خان بدر -

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - در صورت مجلس نوشته شده خبر
کمیسیون خارجه کله امور هم لازم دارد.

رئیس - صورت مجلس دیگر ابرادی ندارد؟
(گفتند - خیر)

رئیس - خبر شعبه دوم راجع با انتخابات سراب رسیده
است. قرائت میشود. آقای روحی. (احضار برای قرائت
راپورت)

(آقای روحی مخبر شعبه دوم خبر مزبور را این طور
قرائت کردند)

نتیجه انتخابات سراب و گرم رود تفراری است که ذیل
معروض میدارد:

در ۱۸ اسفند ماه ۱۳۰۴ انجمن نظارت مرکزی
سراب در حدود قانون تشکیل - و نیز انجمن نظارت
گرم رود در ۲۵ فروردین تشکیل یافته و پس از انقضاء
موعد قانونی اعلان انتخابات در ۱۸ اردی بهشت شروع
به توزیع تعرفه و اخذ آراء نموده و در ۲۲ خرداد
شروع به استخراج آراء شده و روی هم رفته انتخابات
گرم رود در کمال آرامی در حدود قانون خانه
یافتند و آقای مولوی به اکثریت ۱۹۸۰ رأی در
درجه اول از حوزه انتخابیه گرم رود حائز اکثریت
گشته اند.

انحلال انجمن نظارت مرکزی را برخلاف صریح قانون فراهم
ساخته کشمکش بین این حاکم نازه وارد و نظارتشده
گشته در نتیجه وزارت داخله استقلال انجمن نظارت را تصدیق و

با تعرضات سخت حاکم نانی را نیز احضار و آقای
غلامرضا خان مظفر را با اختیارات حکومتی مأمور برای
انجام انتخابات سراب نموده و معزی الیه بشهادت دوسیه
بهترین مأمور لابق وظیفه شناس بوده است که با فرط
شهامت انتخابات سراب را خانه داده است. آقای

مظفر پس از ورود مطالعات لازمه را نسبت
بسابقه امور انتخابی آنجا نموده و دلایل انجمن نظارت
را در تجدید آراء سراب قوی دانسته و مراتب را
بوزارت داخله و ایالت آذربایجان راپورت داده با رأی
انجمن و موافقت وزارت داخله و مطابق ماده ۱۷ قانون

در نانی انتخابات آن محل را تجدید و بعد از يك سلسله
اشکالات و عوایق با فرط صحت انتخابات آنجا را به
پایان رسانده در نتیجه آقای سالار شجاع در درجه اول با کثرت

۲۱۵۱ رأی در حوزه سراب حائز اکثریت و آقای
هیئت در درجه دوم ۱۸۱۸ و آقای مولوی در درجه
سوم دارای ۱۶۶۷ رأی بوده اند

بنا بر این از مجموعه کل آراء سراب و گرم رود
آقای میرزا محمد علی مولوی با کثرت ۳۶۴۷ رأی از
۱۰۵۹۵ رای بمقام نمایندگی ششمین دوره تقنینیه مجلس

شورای ملی از سراب و گرم رود انتخاب شده اند -
منتهی در اثر پاره ای قضایا و تحریکات در آخر هفته
اول جمعی از رعایای متنفذین محلی بانجمن

ریخته آراء باطله را سوزانیده در وینجره را شکسته
بدین جهات اعضاء انجمن در تحت تأثیر تهدید و فشار
واقع گردیده و از صدور اعتبار نامه خودداری مینمایند

بعداً مأمور انتخابات دوسیه های مربوطه را همراه خود
بمرکز آورده و دوسیه های مزبور کاملاً صحت انتخابات
سراب را مدلل میدارد - اینک شعبه دوم با مطالعات

دقیقه صحت نمایندگی آقای مولوی را تصدیق و خبر
آزاد برای تصویب بمقام مجلس شورای ملی تقدیم می
دارد.

رئیس - آقای افسر
محمد هاشم میرزا افسر - بنده مخالف نیستم. فقط
می خواستم تذکر بدهم که مولوی همان آقای نظام
الاسلام است
این را خواستم عرض کنم و الا موافقم.
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی
حاج میرزا مرتضی - بنده مخالفم
رئیس - پس میان برای جلسه آتیه چند فقره خبر
کمیسیون مرخصی است قرائت میشود
(بترتیب ذیل قرائت شد)
خبر مرخصی آقای محمد ولی میرزا:
شاهزاده محمد ولی میرزا نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج
بر حسب تجویز طبیب تقاضای یکماه مرخصی نموده کمیسیون
تقاضای ایشانرا تصویب و خبر آنرا بمقام مجلس شورای ملی
تقدیم میدارد و ضمناً نماینده محترم تذکر میدهد که
پس از تصویب در ظرف دو ماه حق استفاده از یکماه
مرخصی خواهند داشت
رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای محمد ولی میرزا را
برای یکماه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
خبر مرخصی آقای میرزا عبدالله خان وثوق:
نظر بانیکه آقای میرزا عبدالله خان وثوق نماینده محترم
مريض و بموجب تصدیق اکثر احتیاج مبرمی به معالجه در آبهای
معدنی اروپا دارند تقاضای چهار ماه مرخصی از روز
حرکت نموده بودند کمیسیون تقاضای ایشانرا از روز حرکت بمدت
سه ماه تصویب و خبر آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد
رئیس - آقای افسر
افسر - بنده متوجه میکنم کمیسیون عرایض را که

يك دفتی بفرمایند که بکنفر نماینده در سال چقدر باید مرخصی بگیرد، اگر بخواهد تمام مدت را مرخصی داشته باشد باید تجویز کنند؟

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- بنده ملتفت نشدم که این فرمایش آقای افسر مخالفت بود یا موافقت، با توضیح بود به کمیسیون عرایض در هر صورت گمان نمیکنم آقای وثوق بیش از سایرین مرخصی گرفته باشند منتهی مرخصی هاشان را بتدریج گرفته اند.

رئیس -- رأی میگیریم. آقایانیکه مرخصی آقای وثوق را تصویب میکنند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد.

خبر مرخصی آقای احتشام زاده:

آقای احتشام زاده نماینده محترم برای مسافرتی که در نظر دارد تقاضای دوماه مرخصی از روز حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و خبر آنرا بمجلس مقدس شورا تقدیم میدارد و ضمناً به نماینده محترم تذکر میدهد که از تاریخ تصویب در ظرف سه ماه حق استفاده از در ماه مرخصی خود خواهند داشت.

رئیس -- آقایانیکه مرخصی دوماهه آقای احتشام زاده را تصویب میکنند قیام فرمایند: (اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد.

خبر مرخصی آقای نوبخت:

آقای نوبخت نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج خود و فامیلشان از تاریخ ۲۱ خرداد لغایت بیست و هشتم تقاضای مرخصی نموده بودند کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس -- آقایانیکه بمفاد این خبر رأی می دهند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. پیشنهاد آقای عراقی راجع بدستور قرائت میشود

(بدین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه راجع به حقوق وراث مرحوم امیر سیف الدین در درجه اول جزء دستور شود.

رئیس -- مخالفی ندارد؟

فیروز آبادی -- بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید.

فیروز آبادی -- بنده در آن زمینه که با هر اضافه و با هر مفت داد و هر حقوق نا حقی مخالفم در این زمینه هم مخالفم. گر چه خوب این شخص را نمیشناسم کی است، حتی آن شخصی را هم که آقایان فرمودند تا فیروز نمیشناختم و نازه آشنا شده ام و اینکه آقایان میگویند که این شخص با دو رکعت نماز تبرئه شده است، بنده اینرا نمیگویم، با نماز کسی تبرئه نمیشود با اعمال صحیح تبرئه میشود اما راجع بحقوق این شخص بنده با این قسم شهریه ها موافق نیستم اگر این شخص نوکر دولت بوده است حقوق گرفته و مجانی کار نکرده است، بکعبه که مشمول قانون استخدام هستند از روی قانون استخدام میبرند، بکعبه که مشمول قانون استخدام نیستند باین ترتیب میبرند. با این قاعده ناچندی دیگر کسی باقی نمی ماند مگر اینکه يك حقوقی از دولت بگیرد، ولی کسی باید این حقوق را بدهد؟ آیا این دیانتاً سزاوار است؟ عقلاً سزاوار است؟ مملکت اینطور بی پول باشد و ما این ترتیب بذل و بخشش بکنیم؟ باین نظریات من هیچ موافقت باین ترتیبات ندارم، هشتاد تومان نباشد، هشت عباسی باشد یا یکعباسی مخالفم.

رئیس -- آقای عراقی

حاج آقا اسمعیل (عراقی) -- مخالفی را که آقای

فیروز آبادی فرمودند حقش این بود که پس از مطرح شدن بفرمایند، این مطالبی را که فرمودند مانع از ورود این لایحه در دستور نبود. بعد از آنکه مطرح میشد مخالفت خودشان را بیان میفرمودند و گمان میکنم این مخالفت ایشان هم از روی همان مشائی است که همیشه دارند و الا اگر دقت بفرمایند امیر سیف الدین يك پیر مردی بوده است که از اول عمرش تا آخر در خدمت دولت بوده و تا وقتی که ایشان در خدمت بوده اند در آن صفحاتی که ایشان حکومت کرده اند اگر چنانچه جنابعالی رسیدگی بفرمائید کسی مثل او نبوده است در لرستان و سایر جاهائی که حکومت میکردند است همانطوری رفتار نموده که شما میخواهید و لازم است برای تشویق سایر مستخدمین دولت هم ما اینطور شهریه ها را تصویب کنیم، ولی بفرمایند خودتان حضرتعالی با هشتاد تومان که سهل است یا یکعباسی هم مخالفت میکنید در اینصورت بنده دیگر جوابی ندارم زیرا هشتاد تومان با هشت عباسی نزد شما مساویست ولی از آقایان نمایندگان محترم نمیدانم که تصویب بفرمایند که این لایحه امروز جزء دستور شود که خیلی لازم است. (نمایندگان صحیح است)

رئیس -- رأی میگیریم آقایانیکه تقاضای آقای عراقی را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. خبر کمیسیون بودجه راجع بشهریه امیر سیف الدین قرائت میشود

(این طور خوانده شد)

ماده اول -- وزارت مالیه مجاز است از اول فروردین ۱۳۰۵ ماهی هشتصد قران شهریه به چهار نفر اولاد مرحوم

امیر سیف الدین میرزا جهانبانی بشرح ذیل بپردازد
زهرت ملك دختر آخروم مادامی که شوهر اختیار نکرده

۲۰۰ قران
۲۰۰ قران
۲۰۰ قران
۲۰۰ قران

محمد حسن میرزا پسر آخروم ناسن بیست سالگی ۲۰۰ قران
محمد ولی میرزا ۲۰۰ قران
ماده ۲ -- وزارت مالیه مأمور است ۱۹۲۶۳ قران مستمیری دیوانی مرحوم امیر سیف الدین میرزا را از اول ۱۳۰۵ از دفاتر حذف نماید

رئیس -- مذاکرات راجع به کلیات است. مخالفی دارد یا نه؟

(گفته شد. خیر)

رئیس -- رأی میگیریم بشور در مواد آقابنیکه موافقتند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. ماده اول مطرح است. آقای بیات مرتضی قلیخان (بیات) -- موافقم

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- موافقم

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- بنده این عرضی را که میکنم فقط برای ادای وظیفه است و بالاخره آقایان هم بمقتضای وظیفه که دارند رفتار میکنند. و هیچ منافات ندارد و مانع الجمع هم نیست، بنده این آدم را نمیشناسم. اسمش را هم در اینجا نمی بینم و میگویند که در تمام عمرش بدولت خدمت کرده است پس معلوم میشود که در تمام عمرش هم از دولت پول گرفته است و مجانی هم بدولت خدمت نکرده است بنده مخالف نیستم که نسبت باطفال صغار رکنانیکه معاش ندارند يك پولهائی بعنوان خیریه داده شود ولی از این محل بنده مخالفم و عقیده ام این است که آقایان هم اجازه ندارند این پولها را برای این مقاصد ملت نداده است و بنده اطمینان میدهم با آقایان و به تمام مقدسات عالم قسم میخورم که پول دهندند ها غالبشان از اینها مفلوک ترند يك دختر بیست تومان! يك پسر ماهی بیست تومان! در صورتیکه همه میدانیم که در این مملکت يك خانواده

هائی هستند که باماهی ده توان میخوانند ادامه حیات کنند ...

جلائی - اینها هم یکی از آن خانواده ها هستند .
کازرونی - بنده قبول دارم و از بذل و بخشش هم خیلی خوشم میآید ولی در صورتیکه از کیسه خودم باشد بنده از کیسه مردم بذل نمیکنم ، بجز بهتر از بذل از کیسه مردم است . بنده میخواهم عرض کنم که ما مشروطه شدیم ، قانونی شدیم ، دیگر مآثر استبداد را نباید مجری بداریم ، اینها از مآثر مشوم استبداد است که يك هيئتى شرکت کرده بودند و از نتیجه زحمت مردم زندگی میکردند . در هر صورت اگر این شخص مستخدم دولت بوده است از حقوق تقاعد باو میدهند و قانون هم اجازه میدهد و محتاج هم نیست که ما يك رأى ثانوى بدهیم ، و الا اگر عنوان بذل و بخشش است اجازه بدهید بنده به مقتضای وظیفه که دارم مخالفت کنم و رأى هم ندهم سایر آقایان هم البته بمقتضای وظیفه خودشان رفتار خواهند فرمود

مخبر - بنده خیلی مسرورم که آقای کازرونی باما هم عقیده شدند و امروز اولین مرتبه ایست که نسبت به شهریه و وظیفه مخالفت میکنند ...

کازرونی - عجب ، عجب !!

مخبر ایشان برای اشخاصی که هیچوقت سابقه خدمت در این مملکت نداشته اند و خدمتی به مملکت نکرده اند جداً طرفدار وظیفه و مستمری بودند . چند روز قبل که بنده همین ابراد را راجع به لایحه اضافات کردم فرمودند بلکه آن مستمری بهتر از این اضافات است . البته ایشان در عقیده خودشان باقی خواهند بود که يك قسمت از وظایف و مستمریات را مشروع بدانند و يك قسمت را نامشروع . اینکه فرمودند ما نباید از مآثر استبداد طرفداری کنیم ، البته صحیح است ولی يك نفر از مآثر استبداد آن کسی بوده است که این اطلاق را بنا کرده و شهادت در این جا باشهریه

ها مخالفت می کنید ولی بنده عرض می کنم که این اشخاص مفاخر ایران بوده اند ، رجالی که امروز در ایران زمامدارند و به مشروطه خدمت میکنند همانهایی هستند که در برابر استبداد هم خدمت کرده اند . این شخص هم یکی از کسانی بوده است که در عصر استبداد و مشروطه همیشه خدمت به مملکت کرده است و تمام اهالی این مملکت خدمات او را دیده اند این لایحه در کمیسیون بودجه هم که مطرح شد مخالفت زیادی شد و خواستند بفهمند این پولی که داده می شود بجا است یا نه . چرا در هر صورت این شخص يك آدمی است که عمر خودش را در خدمت صحیح به دولت صرف کرده و فعلاً همانطور که سایر وراث مستخدمین تصدق میفرمائید که بعد از وضع قانون استبداد از قانون استفاده میکنند وراث این شخص هم دلیل ندارد که استفاده نمایند فقط چون قانون استبداد اجازه نمیداد دولت هم نمیتوانست به آنها شهریه بدهد و عجزاً وراث او هم شاید چند سالی بیشتر احتیاج نداشته باشند که شهریه بگیرند . و خواهش میکنم که آقای کازرونی هم موافقت نکنند که این يك فقره شهریه هم تصویب شود ولی بنده هم عقیده دارم که بدون جهت هیچ مستمری و شهریه داده نشود .

کازرونی - (خطاب به رئیس) اجازه میدهد بنده توضیح بدهم ؟ در عریض بنده سوء تفاهم شد .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم .

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - موافقم .

رئیس - آقای افشار

افشار - موافقم .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم .

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم .

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - موافقم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده توجه میدهم آقای شیروانی را . يك نکته که آقای فهیمی قبل از دستور در اینجا ذکر کردند و همه ما ها باید متوجه آن باشیم و آن مسئله تعادل بودجه است ، بنده که بکنفر از نمایندگان هستم و در کمیسیون بودجه هم عضو هستم عرض میکنم که تعادل بودجه از دست ما در رفته است یعنی حقیقه ما نمیدانیم چقدر دخل داریم و چقدر خرج داریم . دولت بر میدارد يك چیزی را پیشنهاد میکند شاید در مضیقه باشد که آن پیشنهاد را کرده است . معنای حکومت مشروطه هم همین است که دولت يك پیشنهادی بمجلس بکند و مجلس در آن دقت کند اگر صلاح دانست تصویب والا رد نماید شاید دولت از روی يك سیاستی این پیشنهاد را کرده باشد . بنده و آقای شیروانی در کمیسیون بودجه هستیم مسئله قرض ارزاق را مستحضر شدیم ، ما نمیدانیم این قرض را از کجا باید بدهیم عجزاً که بفرمائیش آقای فیروز آبادی ولو يك عباسی هم باشد ما نمی توانیم بدهیم تا اینکه مطلع شویم که حقیقه بودجه ما تعادل دارد که بتوانیم به این لایحه رأى بدهیم . لایحه تفریق بودجه که به مجلس نیامده است بودجه وزارت مالیه هم که تحت نظر است هر روزه بواسطه يك مشکلاتی عقب میافتد پس ما نمیتوانیم از روی نادانی و جهالت و عمیاً رأى بدهیم ، الان هفت نفر اعضای کمیسیون بودجه در سو کمیسیون رسیدگی بحساب ارزاق مشغول کاریم يك مغاره و يك چاه و بلی آنجا پیدا شده است که بقدر امکان ما باید متوجه به خشخاش بگذاریم و همه را باید در آن چاه بریزیم و باید آن چاه

را بکنیم ، پس بنده نمیدانم چطور این را میتوانیم موافقت کنیم و تصویب کنیم . يك مسئله دیگر راجع بقانون استبداد میخواهم عرض کنم ، تصدیق دارید که قانون استبداد يك مضاری دارد و قبول دارید که يك منفعت کوچکی بیشتر ندارد مضارش آن پول دادن بی محابا و آن درجات است که ملاحظه میکنید ما آنرا هیچ دست نمیزنیم اما جایی که قانون استبداد شامل نیست ما میآئیم با يك لایحه دیگر شهریه معین میکنیم . ما نباید برای منفعت يك نفر منفعت قانون استبداد را از بین ببریم ، پس بروید عجزاً همان قانون استبداد را عملی کنید در واقع تصویب کردن این جور مواد و لوایح که از طرف دولت می آید يك صدمه برای قانون استبداد است و نمیکند که قانون استبداد هیچ طور جریان خودش را طی کند . از این نظر بنده مخالفم .

رئیس - آقای بیات

مرآتی قلیخان (بیات) - میخواستم از آقای کازرونی استدعا کنم که يك مطالب و يك لواجی که در مجلس مطرح میشود نباید در اطراف آن مسائل يك طوری صحبت کنیم که به يك اشخاصی یا يك خانواده هائی بر بخورد . و طوری نباشد که اسباب توهین باشد میخواستم استدعا کنم که اینجا مجلس است و باید حفظ شأن مردم در اینجا بشود . قسمت دوم راجع به فرمایش آقای آقا سید یعقوب . عرض میکنم . اولاً راجع به تعادل بودجه و جمع و خرج اظهاراتی فرمودند . خود آقای آقا سید یعقوب در کمیسیون بودجه تشریف دارند و میدانند که قسمت تعادل بودجه به چه وجهی مربوط به شهریه نیست . برای اینکه مستمری و شهریه ها يك اعتباری دارد و وزارت مالیه تا آن حدود که اعتبار دارد میتواند مستمری و شهریه ها را بپردازد و از آن حدود که تجاوز کرد نمیتواند . پس اگر ما يك قلم هائی را تصویب کنیم بعقیده بنده ابداً اصطلاحاً با تعادل بودجه نخواهد کرد و نه آن هیچ مربوط نیست و از يك قلم کلی معینی که در بودجه

برای مستمری و شهریه معین شده است اگر يك چنین
اقلای تصویب شود از آن محل پرداخت می شود و به قسمت
تعادل بودجه بر نمی خورد. يك قسمت دیگر آقای آقا
سید یعقوب راجع به ارزاق فرمودند. اولاً بعقیده بنده
با این شصت تومان و هشتاد تومان قرض ارزاق داده نمی
شود ثانیاً البته او را هم باید يك دقت هائی درش کرد
و عجالتاً تحقیقاتی در این باب شده است و يك صورتهائی
آورده اند، باید موجودی و قرضش را فهمید، البته
پس از رسیدگی نتیجه اش را به مجلس شورای ملی
اطلاع خواهیم داد و هر کار که باید بشود میشود ولی
اینکه در کارهای عمومی مملکتی و کارهائی که باید
بگذرد از قرض ارزاق وحشت کنیم و بترسیم گمان
میکنم خوب نباشد. اما راجع به قسمت قانون
استخدام، البته آقای آقا سید یعقوب تصدیق میفرمایند
که این قانون جدیداً وضع شده است. سه سال است
ولی پنجاه سال است، شصت سال است که يك
شخصی به دولت خدمت کرده است و بهترین دلیل هم از
برای خدمت او این است که ورثه او بدون معاش و زندگی
هستند، این خودش يك دلیلی است برای اینکه حقیقه
باید نسبت باین ورثه و این خانواده قدر دانی کرد و
بملاحظه زحمانی که کشیده است اولادی که از اوباقی
مانده مملکت و ملت باید نگاهداری کند. این بزرگترین
دلیل است که کسی که شصت سال هفتاد سال به مملکت
خدمت کرده است امروز چیزی ندارد، این بزرگترین افتخار
است بعقیده بنده و ما هم باید قدر دانی کنیم، و این
حقوق هم چنانچه ملاحظه میفرمائید تا يك مدتی معین
شده است و موقعی که توانستند خودشان زندگی کنند
این حقوق داده نمیشود و از طرف دیگر هزار و نهصد و
کسری مستمری مرحوم امیر سیف الدین است که بکلی
دولت ضبط خواهد کرد و آنقدرها ضرر برای دولت
فراهم نمیشود برای اینکه آن مستمری ضبط میشود و در
عوض این شهریه داده میشود پس بنا بر این مقتضی است که

در این قبیل مسائل يك دقتی بشود اگر دیدند نواقصی دارد
آنوقت مخالفت بفرمایند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

(گفته شد بلی)

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بنحو ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که ۹۶۰ تومان در سال حقوق مرحوم
نصف شود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرض کردم هر چه بنده
پیشنهاد میکنم آقایان آنقدر به بنده کم لطفند که برضد
آن رفتار میکنند ولی باوجود اینها من نمیتوانم از وظیفه
خودم خارج شوم. بنده عقیده ندارم که هر ماهی هشتاد
تومان بدهند بچهار نفر بچه. اولاً که عقیده به
مفت خوری هیچ ندارم و خودم هم عملاً این کار را
کرده ام که از بچه گوی مفت خوری نکرده ام حتی از
حقوق مجلس هم صرف نظر کرده ام پس راضی
نمی شوم دیگران هم بکنند و گمان می کنم که خود
آن چهار نفر هم راضی باشند که حقوق آنها نصف شود
و با سایر اضافات به مصرف يك کار عام المنفعه برسد که هم
آنها ازش استفاده کنند و هم مردم استفاده نمایند.
بنده اساساً با کلیه این شهریه مخالفم ولی میدانم از پیش
نمی رود، پس از آقایان خواهش میکنم که این حقوق را
ماهی چهل تومان بکنند و این چهار نفر بچه هم با ماهی
چهل تومان میتوانند زندگی کنند. و از مال آن
مظلومینی که از آنها این پولها گرفته میشود زیاده از این
دادن سراوار نیست، بند باین نظر این پیشنهاد را کردم
و امیدوارم رد نشود.

رئیس - آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان (اعتبار) - اگر ماده دورا آقای

فیروز آبادی ملاحظه بفرمایند تصدیق خواهند فرمود
که مجلس يك چیز فوق العاده نمیدهد سابقاً این شخص
هزار و نهصد و بیست و شش تومان و سه قران مستمری
داشته و حالا داریم نهصد و شصت تومان میدهم فرق این
تقریباً چیزی نیست و مقصود آقا عملاً انجام شده است و علاوه
این آدم نسبت باین مملکت يك خدماتی کرده است و يك فدا
کاریهائی نموده که آقایان مسبوق هستند و گمان میکنم خوب
نیست این اندازه هم حضرت مستطاب عالی نسبت به يك اشخاص
خادمی بدین باشید. علاوه آن اصلی را هم که فرمودید در
واقع اگر درست حساب کنیم در تمام سال شاید ماهی
ده تومان بیشتر دولت به آنها اضافه نمیدهد و ما اگر
چنانچه تمام این را هم تصویب کنیم تقریباً مقصود شما
هم عملی شده است.

مخبر - همانطور که گفته شد ماده بعد مقصود
آقای فیروز آبادی را نامین کرده است. خوبست آقا هم
پیشنهاد خودشان را استرداد نمایند.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد

آقای فیروز آبادی آقایان موافقین قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای معتضد
استرآبادی.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که شهریه مرحوم امیر سیف
الدین خان از ماهی هشتاد تومان بماهی شصت تومان
تبدیل شود.

رئیس - آقای معتضد

معتضد استرآبادی - بنده گرچه این شخص را نمی
شناسم ولی از قراریکه آقایان میفرمایند يك آدم
خدمتگذاری بوده است و قدر هر خدمتی را هم باید
خدمتگذارها بدانند. برای اینکه جمع شده باشد بین
نظریات همه آقایان بنده پیشنهاد کردم که ماهی هشتاد

تومان تبدیل شود به ماهی شصت تومان زیرا اگر
حساب کنیم تقریباً به دختر روزی پنجقران و به پسر
روزی يك تومان میرسد و شاید با این مقدار بتوانند
خودشان را اداره نمایند و ضمناً هم مقصود آقای فیروز
آبادی تا حدی تأمین شده است برای اینکه وقتی مستمری
آنها را قطع کنند و تومان دوریال معمولی حساب کنیم
سالی ۲۴۰ تومان از شهریه آنها کسر میشود و اگر
ماهی بیست تومان از شهریه آنها کسر کنیم و آن
مستمری را هم بگیریم بعقیده بنده قضاوت عادلانه است
رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - يك لایحه دولت تنظیم کرده
است و فرستاده است بمجلس شورای ملی. بالاخره
حساب مستمری آنها هم کرده است و اینطور قرار داده
است. آقایانیکه موافقند رأی میدهند. آقایانی هم که
مخالفند رأی نمیدهند. وقت مجلس برسد بکارهای دیگر
بهتر است.

مخبر - بسته بنظر مجلس است.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند
قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای دینا

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میبایم ماده اول بترتیب ذیل تنظیم شود
ماده اول - وزارت مالیه مجاز است از اول فروردین
۱۳۰۵ ماهی هشتاد قران شهریه از محل وظایف و شهریه
الی آخر

رئیس - آقای دینا

دینا - در اینجامینویسد از اول فروردین ۱۳۰۵ و سال
تمام شده است محل شهریه معلوم نیست از کجا است.
از بودجه کل است یا از محل دیگر. این است که بنده
پیشنهاد کردم از محل شهریه و وظایف، چون آنجا مسلماً
محل هست

مخبر - صحیح است محل پرداختش همان اعتبار شهریه ووظایف است بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

(شرح آنی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماهی شصت و پنج تومان داده شود

(همهمه نمایندگان)

دهستانی - پس میگیرم

رئیس - آقای معظمی نظر جنابعالی تأمین شد؟

معظمی - بلی

رئیس - ماده اول قرائت میشود و رأی میگیرم

(باین ترتیب قرائت شد)

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است ازاول فروردین ماه ۱۳۰۵ ماهی هشتصد قران شهریه از محل وظایف و شهریه بچهار نفر اولاد مرحوم امیر سیف الدین میرزا جهانبانی شرح ذیل بپردازد

زهت ملك دختر آن مرحوم مادام که شوهر اختیار نکرده

عزت ملك " " " " ۲۰۰ قران

محمد حسن میرزا پسر آن مرحوم ناسن ۲۰ سالگی ۲۰۰ قران

محمد ولی میرزا " " " " ۲۰۰ قران

مخبر - راجع بآن پیشنهاد آقای دیبا چون در بودجه کل مملکتی برای شهریه صیغه نیست که ذکر شود موافقت فرمایند که نوشته شود از محل وظایف

و مستمریات

دیبا - صحیح است .

رئیس - پیشنهاد جدیدی از آقای فیروز آبادی رسیده

است

بعضی از نمایندگان - وقتش گذشته است

رئیس - هنوز رأی نگرفته ایم .

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بعد از تعطیل تابستان امسال باید معلوم شود استدعا میکنم زودتر تکلیفش را معین فرمایند .

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع باستخدام

متخصص بی سیم مطرح است . ماده دوم قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده دوم - چنانچه هر يك از مهندسين متخصص

مزبور سه ماه متوالی بواسطه عارضه كسالت که تصدیق

طبيب صحی مانع انجام وظیفه باشد از خدمت معذور

باشند برای این مدت حق دریافت حقوق دارند و نیز

دولت میتواند هر وقت بخواهد كسالت آنها را فسخ

نموده معادل سه ماه حقوق باضافه خرج مسافرت بانها

بپردازد . در صورتیکه مهندسين مزبور قبل از انقضای

كسالت خود استعفا بدهند علاوه بر مدت خدمت انجام

شده حقوقی بانها پرداخت نگردیده و خرج سفر هم بانها

داده نخواهد شد

رئیس - ماده باین ترتیب صحیح است؟

مخبر - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(باین ترتیب قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده دوم نوشته شود:

چنانچه متخصصین مزبور يك ماه متوالیاً با متفرقاً بواسطه

عارضه كسالت تا آخر ماده

فیروز آبادی - در این ماده نوشته که متخصصین

سه ماه متوالیاً بواسطه عارضه كسالت الی آخر ،

این معلوم نمیکند که این سه ماه برای تمام

این مدت كسالت است یا در هر چهار ماهی بتوانند

سه ماهش را ناخوش بشوند و يك ماهش را در خدمت

باشند چون مطلب معلوم نبود از این جهت پیشنهاد

کردم که در هر سالی يك ماه چه متفرقاً و چه متوالیاً

اگر اینها كسالت عارضشان بشود حق دارند از حقوقشان

استفاده کنند و الا اگر بنا باشد باین جمعی بماند اینها

تجدید استخدام او را تقدیم مجلس میکند . لایحه دیگر

راجع است باستخدام چهار نفر . دولتر برای مدرسه

صنعتی دولتی و دو نفر برای مدرسه حقوق و سیاسی .

چون امسال يك كلاس عالی بمدرسه صنعتی دولتی اضافه

شده است بنا براین محتاج است باستخدام يك نفر معلم

برای تعلیم مهندسی ماشین آلات و ریاضیات عالی ، در

این لایحه پیشنهاد شده است که این معلم هم از آلمان

استخدام شود و چون شعبه آهنگری مدرسه صنعتی پیشرفت

کاملی کرده است و عده شاگرد های فعلی آن در حدود

هفتاد هشتاد نفر است و در آتی هم عده اش زیادتر خواهد

شد این معلم آلمانی فعلی به تنهایی قادر نیست بانجام

وظیفه بنا براین مدرسه پیشنهاد کرده است که يك نفر

معاون برای این معلم بجهت شعبه آهنگری از

آلمان استخدام شود . وزارت معارف هم موافقت

کرده است و در این لایحه هست . دو نفر

معلم از فرانسه وزارت معارف مایل است استخدام شوند

برای تعلیم در مدرسه حقوق و سیاسی يك نفر بجای

مسیو دولایوژ که استخدامش تمام شد خواهد بود يك نفر

دیگر هم علاوه است

حاج شیخ بیات - از کجا؟

وزیر معارف - عرض کردم . از فرانسه برای مدرسه

حقوق و سیاسی . چون معلمی که تا بحال از فرانسه

استخدام شده بودند فقط برای مدرسه حقوق بودند و در

قسمت سیاسی تدریس نمیکردند و وزارت معارف در نظر دارد

توجه خاصی بمدرسه سیاسی هم داشته باشد و بعلاوه يك موادی هم

هست که در بزرگم مدرسه حقوق بوده است و تا کنون

معلمی که آنها را تدریس کند نداشته است باین جهت

این دو نفر را هم در این لایحه پیشنهاد کرده است که

تقدیم مجلس شورای ملی میشود . لایحه دیگری است

راجع بتجدید استخدام مسیو پاپاریان تبعه دولت ترکیه

برای مدرسه دواسازی و طب و چون تکلیف اینها تا

بنده پیشنهاد می کنم که از ابتداء تصویب داده شود .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقایدی دارم که متأسفانه

خودم را هم اذیت می کنم و آن این است که

مخالف با این ترتیبات هستم همه خلق را هم با خودم

دشمن کرده ام ولی امید وارم خداوند با من دشمن

نشود . اینجا نوشته است از اول فروردین ماه ۱۳۰۵

یعنی از پانزده ماه قبل . حالا که شما میخواهید يك

بندل و بخششی بکنید و نگهداری از ایتام کنید از حالا

بدهید . از پانزده ماه قبل چرا؟ بنده با این ترتیبات

مخالفم و مخالف با اصلاحات مملکتی میدانم و با این ترتیبات

مملکت ما خراب میشود .

مخبر - اولاً این لایحه در ۱۳۰۵ تنظیم شده و این

مستمری هم در ۱۳۰۵ ضبط شده است و محاسبه اش

بسته شده . سه ماه از سال جدید که میگذرد محاسبات

سال بسته میشود و بنده تصور میکنم که این اسباب اشکال

برای وزارت مالیه خواهد شد و زمانی تولید میکند و تفاوتی

هم آنقدر حاصل نمیکند . استدعا میکنم آقایان يك فقره

پیشنهادشان را هم استرداد فرمایند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . مراجعه میشود بکمیسیون

بودجه .

وزیر معارف - چند فقره لایحه استخدامی است

راجع بمدارس تقدیم مجلس شورای ملی میشود . اول

راجع به تجدید استخدام دکتر هانری اشترونك تبعه آلمان

رئیس مدرسه صنعتی دولتی است که چون كسالت او

خانمه یافته بود و وزارت معارف هم از او کمال رضایت

را دارد و محتاج هم هست بوجود او بنا براین لایحه

میتوانند در ظرف هر چهار ماه سه ماه ناخوش باشند و استفاده از حقوقشان کرده باشند. آنوقت نه ما از وجود اینها استفاده کردیم و نه اینها کار کرده اند. باینجهت بنده این پیشنهاد را کردم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خیلی متأسف هستم که آقای حاج سید رضا فیروز آبادی با آن صراحت لجه که در مسائل دارند يك امور غیر طبیعی و غیر اختیاری را داخل در امور اداری میکنند میفرمایند میتوانند ناخوش شوند. ناخوش شدن با اختیار کسی نیست که ما بگوئیم شما اختیار دارید در دو سال سالی يك ماه ناخوش شوید و اگر سالی یکماه بیشتر ناخوش شدی حقوق نداری. ناخوشی. موت. حیات اینها از اموری است که در اختیار انسان نیست. اولاً بنده متأسف هستم که این ماده را چرا دولت در این کنترت نوشته است که ما اینقدر گرفتار پیشنهاد بشویم و ثانیاً گمان میکنم خودتان هم مطالعه بفرمائید خواهید دید که این معنی ندارد اینجا میکوبد اگر سه ماه متوالیاً ناخوش شدند حقوق این سه ماه با آنها داده شود. غیر از این دیگر چیزی ما نگفتیم اگر این سه ماه ناخوش شد بعد خوب شد بعد سه چهار روز ناخوش شد ما نمیتوانیم باو بگوئیم تو که ناخوش شده بودی دوباره چرا ناخوش شدی؟

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام بفرمایند

(عده قلیل قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بماده دوم ...

مدرس -- بفرمائید بخوانند

(ماده مزبور مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس -- رأی گرفته میشود. ماده دوم به ترتیبی که

قرائت شد. آقایان موافقین قیام بفرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده سوم

(باین مضمون قرائت شد)

ماده سوم -- دولت مجاز است سایر شرایط کنترت متخصصین مذکور فوق را مطابق ماده دوم قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و کنترت آنها را امضاء نماید.

جمعی از نمایندگان صحیح است مخالفی ندارد

رئیس -- پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود آقای اعتبار.

اعتبار -- بنده تصور میکنم ماده الحاقیه اگر مقدم میشد بهتر بود زیرا بهتر این است که این ماده در آخر باشد. مخبر کمیسیون بودجه -- ماده الحاقیه همانطور که در مجلس هم گفته شد يك موضوعی است که بکلی ارتباطی با این لایحه ندارد و جزو مواد اصلی کنترت نمیخواهیم باشد. يك ماده الحاقیه ایست و بعد نوشته میشود.

رئیس -- ماده الحاقیه بعد مطرح شود؟

بعضی از نمایندگان -- بلی

رئیس -- پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم این قسم اصلاح شود ماده سوم -- وزارت پست و تلگراف مأمور اجرا و مجاز است سایر شرایط کنترت الی آخر.

ارباب کیخسرو -- بنده در این لایحه دیدم کلمه (دولت) همه جا ذکر شده است در صورتیکه باید وزارتخانه مربوطه باین کار کنترت را امضا کند. این بود که این پیشنهاد را کردم.

مخبر -- صحیح است. بنده قبول میکنم.

رئیس -- رأی میگیریم بماده سوم با این اصلاحی که

شد. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده الحاقیه به ترتیبی که در

کمیسیون تنظیم شده است قرائت میشود. (باین مضمون قرائت شد)

ماده الحاقیه -- دولت مکلف است از بین فارغ التحصیل های قسمت علمی مدارس متوسطه پنجنفر محصل بطور مسابقه برای آموختن فن الکتریسته و مهندسی تلگراف بنسیم باروبا اعزام و مخارج آرا درضمن بودجه ۱۳۰۶ پست و تلگراف منظور دارد مدت تحصیل محصلین مزبور نباید از شش سال تجاوز نماید

تبصره اول -- محصلین اعزامی باید کنترت شده و ملتزم گردند که پس از تکمیل تحصیلات خود با حقوق معین مشغول خدمات دولتی شوند.

تبصره دوم -- شاگردان مدرسه تلگراف بنسیم و اشخاص بنبضاعت با تساوی شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- موافقم

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- موافقم

رئیس -- آقای اعتبار

اعتبار -- موافقم

رئیس -- آقای فرمند

فرمند -- ما خودمان پیشنهاد اینها را کردیم و خیلی هم متشکریم از آقایان اعضاء کمیسیون که موافقت کرده اند ولی آن تبصره دوم که نوشته است این شاگردان باید ملتزم شوند. بيك حقوق مخصوصی مستخدم شوند. بنده تصور میکنم در ازاء يك پولی که دولت میدهد برای يك عده شاگرد نباید آنها را نحت اسارت بیاورد. البته باید با آنها بيك قرار دادی بکنند که مستخدم دولت بشوند اما روی بيك حقوق معینی چطور میشود آنها را الزام کرد؟ پس خوب است آن لفظ حقوق معین را بزنند چون ذکر حقوق معین از حالا برای شش سال بعد که از آنجا بر

میکردند بيك الزام خوبی نیست. وزیر معارف -- بنده چون اساساً با این پیشنهاد موافقم این است که لازم میدانم قدری توضیحات در جواب نماینده محترم عرض کنم. فرستادن شاگرد از طرف دولت بخارج باید مبنی بر چند چیز باشد: اولاً دولت تشخیص بکند ضرورت فرستادن بيك عده شاگرد را بخارج و الا بدون تشخیص ضرورت محض هوا و هوس البته مفید واقع نخواهد شد. دوم باید تشخیص بکنند که برای چه کاری شاگرد را میفرستند باین معنی بعد از آنکه تشخیص کرد که برای پست و تلگراف یا تلگراف بنسیم لازم است بيك عده را بخارج نفرستند و تحصیلات کنند و برگردند باینجا و تشخیص کرد که بيك اشخاصی را که برای این کار میفرستند بعد از اینکه برگشتند آنها را بهمین کار بگمارند و بعد از اینکه این دو اصل را تشخیص کرد. باید دید که این پول و مخارجی را که برای اعزام محصلین دولت میپردازد این پول شخصی است یا پول نوعی است؟ این پول شخصی نیست. این پول را مملکت میدهد. مملکت بجائی نباید کسی چیزی بدهد. نهایت مملکت حاضر میشود مساعدت بکند تا بيك عده مستعد و آنها را به خارج بفرستد و با آنها کمک بکند و بعد از آنکه تحصیلاتشان تمام شد و برگشتند بانها کار بدهد که خدمت بمملکت بکنند و در اینجا هم که نوشته شده است تا بيك حقی به خدمت دولت مشغول شوند البته مقصودشان معلوم است و بنده با این اصل موافق هستم ولی در بيك قسمتهای دیگری که در این پیشنهاد ذکر شده است لازم میدانم بيك اطلاعاتی را تذکرأ عرض کنم. در قانون شورای عالی معارف که در مجلس چهارم تصویب شد یکی از وظایف شورای عالی معارف تعیین شرایط اعزام محصلین است بخارج از طرف دولت. شورای عالی معارف اخیراً در جلسات متعدد بيك نظامنامه اساسی برای فرستادن شاگرد باروبا (از طرف دولت)

تصویب کرده است برطبق همان قانونی که بوده است و جزو وظایف او شمرده شده است و تمام این قسمتها که باید از فارغ التحصیلان متوسطه باشد و برطبق مسابقه باشد و چه باشد و چه باشد تمام این قسمتها رعایت شده و حتی چیزی هم که در آنجا علاوه کرده است (و هنوز منتشر نشده است و شاید مقتضی باشد که اصل آن نظامنامه اساسی هم برای اطلاع عموم منتشر شود) این است که وزارت معارف در طول این مدت گذشته يك تجربه اساسی بدست آورده است و آن این است که تنها فرستادن يك عده شاگرد بدون سرپرست این عمل صحیحی نیست . در آنجا مخصوصاً قيد شده است که شاگردانی که از طرف دولت میروند باید در تحت نظارت يك نفر سرپرستی که آنها را و جد شرایط سرپرستی باشد باشند و حتی وزارت معارف (این را بطور جمله معترضه عرض میکنم) در صداست که احصائیه از کلیه شاگردان ایرانی که در خارجه مشغول تحصیل هستند اعم از اینکه از طرف دولت رفته باشند یا خودشان رفته باشند بدست بیاورد که ما بدانیم واقعاً چند نفر ایرانی در خارج تحصیل میکنند که این سرپرستی که با شاگردان اعزامی دولتی میروند يك وظیفه دیگری هم داشته باشد که گاه گاهی نسبت بدیگران هم نظارت بکنند میشود بکنفرش کردن و بدون سرپرست و نظارت بيك مملکت بیگانه فرستاد . و در باب حقوق هم این مسئله پیش بینی شده است آنجا يك ترتیبی داده شده است و مخصوصاً در همان نظامنامه اساسی قيد شده است که شاگرد بعد از آنکه برطبق آن شرایط ابتدائی قبول شد در امتحان باید کتباً ملتزم و متعهد شود که بعد از برگشتن همان شغلی را که دولت برای او در نظر گرفته است قبول کند و چنانچه قبول نکند در آنجا تصریح شده است که تمام مخارجی که شده است باید پس بدهد . بنا بر این این نظریه تأمین شده است و محتاج باین طول و تفصیل نیست و بنده خیال میکنم که اگر همینقدر اکتفا شود باین قسمت اول که پنج نفر

شاگرد برای تحصیل بفرستند کافی است . اگر هم میخواهید قيد کنید - برطبق نظامنامه اساسی شورای عالی معارف و بقیه ضرورت ندارد .

رئیس - آقای عدل

عدل - يك قسمت عرایض بنده را آقای وزیر معارف فرمودند . بنده . عقیده ام این است که شاگرد حکماً باید بخارجه فرستاده شود ولی نه اینکه هر وزارتخانه خودش برای خودش بفرستد ، شاگرد را تماماً باید در تحت نظر وزارت معارف بفرستند و وزارت معارف هم بکنفر سرپرست برای آنها معین کند منتهی این شخص کی باشد این يك مسئله خیلی مهمی است . عرض دوم بنده راجع به شش سال است . بنده تعجب میکنم . این لفظ شش سال برای چیست ؟ تعیین کردن شش سال این يك چیزی است که مقید میکند شاگرد را و ممکن است تحصیلات او ناقص بماند زیرا بر فرض که مدت تحصیل شاگرد نلکراف بی شش سال هم باشد ولی ممکن است شاگرد ناخوش شود ، رفوزه شود ، یکسال دوسال از تحصیل عقب بماند ، آنوقت چه بکنند ؟ پس از اینکه شش سال تمام شد تحصیلاتش ناقص میباشد . بنده عقیده ام این است عوض شش سال نوشته شود تا موقع انجام تحصیل . شش سال مدت تعیین کردن غلط است . وزیر معارف - بنده بطور اجمال قبلاً عرض کردم که همینقدر ممکن است آقایان موافقت بفرمایند که پنج نفر شاگرد از طرف دولت فرستاده شود برای تحصیل فلان قسمت بقیه زائد است و چون آقای عدل اشاره کردند بقسمت شش سال بنده هم همین عقیده را دارم که تحصیلات عالی نسبت ببقیون مدنهاى مختلفه دارد باشش سال و چهار سال و سه سال نمیشود بنا بر این هیچ ضرورتی ندارد که صرفاً در قانون شش سال قيد شود . با فرضاً اگر تحصیلاتش در چهار سال تمام شد تکلیف چه چیز است ؟ دو سال دیگر هم باید بماند ؟ و بعلاوه چیزی که لازم میدانم برای استحضار خاطر آقایان عرض کنم این است که آقای عدل اشاره کردند که باید

بتوسط وزارت معارف باشد . البته همینطور است و در همان نظامنامه اساسی هم که از وظایف قانونی شورای عالی معارف است در آنجا این مسئله پیش بینی شده است . دولت اول باید تشخیص بکند که آیا فرستادن محصل بخارجه برای پست و تلگرافش لازم است یا نه ؟ ولی بعد از آنکه تشخیص کرد آنوقت نظارت در امتحانات و سرپرستی از روزی که در اینجا شروع میشود به اسم نویسی در دفتر و مسابقه و امتحانات ناروژی که این شاگرد برگردد بسلاهی برطبق قوانین انجام این امور کلیه با وزارت معارف است

مخبر کمیسیون بودجه - اساساً این نکته باید تصدیق شود که در بازود وزارت معارف (قطع نظر از اینکه از شورای عالی معارف يك نظامنامه گذشته باشد یا نه) برای اعزام محصلین بخارجه بعقیده بنده باید يك لایحه قانون تنظیم کند و برای تمام فنون و عضویت تمام وزارتخانهها بالاخره در تحت يك اصول و موادی منحصرأ وزارت معارف سالیانه يك عده شاگرد برای تحصیل در تحت سرپرستی خودش بااروپا بفرستد . این يك ترتیب اساسی است که باید يك روزی داده شود . تا حالا هم دولتها باین فکر نبودند این قدم اول است که وزیر محترم فعلی برداشته اند . لا اقل برای تکلیف مأمورین باید يك ترتیبی داده شود که از هر وزارتخانه با از هر گوشه مملکت بدون نظم و ترتیب محصل بااروپا فرستاده نشود . سوء استفاده هم که تا بحال بعقیده بنده شده است برای این است که بی ترتیب شاگرد بااروپا فرستاده اند . چندین سال است عده زیادی ما شاگرد بااروپا فرستاده ایم چه دولت و چه بطور آزاد و کوچکترین استفاده که بمالك دیگر از این کار کرده اند ما نتوانسته ایم بکنیم و بالاخره باید در تحت يك ترتیب صحیحی وزارت معارف يك پیشنهادی بکنند و در آئیه اجرا بکنند . در این دوره مخصوصاً ما موفق شده ایم که گاهی بيك لوایح بودجه که میسریم بفرمایند آقای تقی زاده برای کفاره آن کناره يك خدمتی بکنیم و يك

قدیمی برداریم و يك مبلغی از آن بودجه را صرف این قبیل کار ها بکنیم این يك اصلی است که ما در نظر گرفته ایم اصل دیگر را هم که ما در نظر گرفتیم و گفتیم بصورت قانون در بیاید ولو اینکه نظامنامه هم بطور مفصل و مشروح نوشته شده باشد این بود که باید حتماً دیپلمه مدارس متوسطه باشد و مخصوصاً خواستیم که این اصل قانونی باشد که اگر نظامنامه تغییر کرد این قانون تغییر نکند زیرا ما تجربه کرده ایم اشخاصیکه اطفال خودشان را با تحصیلات ناقص فرستاده اند بالاخره با آن تحصیلات ناقص هم برگشته اند این بود که در کمیسیون ما تصمیم گرفتیم که این را جزء اصول قرار بدهیم یکی از مسائل دیگر هم این بود که این شاگردانی که از وزارت خانه ها اعزام شده اند تمام روی خصوصیت و توصیه و يك ترتیبی بوده . در اینجا هم گفتیم که اصول مسابقه باید رعایت شود و باید در قانون تصریح شود که بطور مسابقه باید این اقدام بعمل بیاید اصل دیگری هم که در این لایحه بخصوص ما پیش بینی کردیم و گفتیم که وزارت معارف جزء اصول قرار بدهد . این است که آن شاگردی که از اروپا بر میگردد تکلیفش چه چیز است شاگردی را که دولت خرجش را میدهد باید دولت هم از او استفاده کند بنده اطلاع دارم که اغلب شاگردانی که بخرج دولت بخارجه رفته اند تحصیلات دیگری میکنند ، مثلاً حقوق میخواهند در صورتیکه رفته است مهندسی با فن آن وزارتخانه را تحصیل کند بالاخره چنانکه عرض کردم این سه چهار اصل باید قانونی شود و نظامنامه را هم که شورای عالی معارف نوشته است بجای خودش مجرا خواهد شد و البته آقایان موافقت میفرمایند که این تبصره ها هم نوشته شود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اولاً از آقای شیروانی تشکر میکنم (در حالتیکه از ایشان دلتنگ هستم) ولی تشکر میکنم که

بعضی عرایضی را که بنده میخواستیم بکنم ایشان فرمودند باین ترتیبی که شاگرد باروفا میرفته است برخلاف مصالح مملکت بوده است در صورتیکه تقریباً حالیه بودجه شان بسالی هشتاد هزار تومان رسیده است از این هشتاد هزار تومان که خرج میشود گمان میکنم هیچ استفاده در مقابل نشود بلکه اخلاقشان هم فاسد میشود باین ملاحظه بنده با آن ترتیبات سابق مخالفم و امیدوارم بهمان ترتیبی که آقای شیروانی فرمودند معمول شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است؟

(گفتند بلی)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای دشتی

پیشنهاد می کنم جمله که مربوط به تعیین مدت است حذف شود

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده در جلسه سابق هم همین پیشنهاد را کردم و آقای مخبر کیمسیون هم قبول کردند و چون اصل ماده قابل توجه شده بود بر کت بکمسیون بودجه در کیمسیون بودجه یکمده از رفقا نمیدانم از چه لحاظی اصرار داشتند که حتماً مدت نوشته شود در صورتیکه تعیین مدت اصلاً غلط است و بنظر بنده چیز زائدی است.

رئیس - عین این پیشنهاد را آقای فیروز آبادی هم کرده اند در موقعی که رای گرفته میشود بدون این عبارت قرائت میشود

پیشنهاد آقای فرمند - بنده پیشنهاد میکنم که تبصره

اول حذف شود

رئیس - آقای فرمند

فرمند - عرض می کنم مقصود بنده از حذف این تبصره این است که همانطور که آقای وزیر معارف فرمودند در

قانون شورای عالی معارف نوشته شده است و بالاخره این تبصره بعقیده بنده خیلی تند است زیرا اگر يك محصلی رفت به اروپا و برگشت به ایران و نخواست در خدمت دولت باشد نباید او را ملزم کنند به اینکه حتماً باید برای دولت کار کند و البته خسارتی که بدولت راجع بخرج این شاگرد وارد شده است بایستی بتدریج از او بگیرند. این را هم باید دانست که يك شاگردی که می رود به اروپا عالم بر میگردد قیمت علم او در این مملکت بالاتر از آن پولی است که دولت برای او خرج کرده است و بنده تصور میکنم که بهترین پولی که دولت و ملت ایران خرج میکنند همین است که شاگرد به اروپا بفرستند و عالم برگردند در این مملکت - مسئله دوم این است که در این تبصره حقوق این شخص را قبلاً معین کرده است و بنده تصور میکنم که این برخلاف آزادی فردی است برای اینکه مابك پولی میدهم و يك شخصی را میخریم بایول که نباید آزادی يك شخص را خرید از حالا که قید کنیم چند سال باید اجباراً مستخدم دولت باشد دیگر اینکه اشخاصی که در کارهای میکائیکی و قوه برق کار میکنند. يك مواقعی پیش می آید که اصلاً نمیتوانند کار بکنند و باید از کار کناره کنند پس این الزام بعقیده بنده زائد است و بنده تصور میکنم که آقای مخبر مساعدت بفرمایند که این تبصره حذف شود زیرا در آن نظامنامه که در شورای عالی معارف وضع شده باید این مسائل پیش بینی شود. بطوریکه نه دولت يك مخارج بهبوده کرده باشد و نه آزادی يك کسی گرفته شده باشد و بالاخره اگر آن شخص نخواست مستخدم دولت باشد با يك شرائط سبکی ان پول را استرداد کند.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - تنها مملکت ایران شاگرد بخارجه میفرستد خیلی از ممالک دنیا مخصوصاً ممالک شرقی شاگرد بخارجه میفرستند و اینها يك اصول معینی دارد که مملکت از آنها استفاده میکند

یعنی اول دولت تشخیص میدهد که مملکت چه اصلاحی لازم دارد بعد بکمدد شاگرد بطور مسابقه میفرستند و از آن شاگردان هم التزام بگیرند که وقتی برگشت مستخدم دولت باشد. بنده تعجب می کردم که چرا نا بحال این اصل در مملکت ما معمول نشده است در صورتیکه يك اصل بدیهی است و حالا يك نفر آدم تحصیل کرده مثل آقای فرمند میگویند لازم نیست از این شخص التزام بگیرد که بعد از شش سال بیاید و مستخدم دولت شود و يك دلائل عجیب و غریبی هم آوردند و سه دلیل آوردند یکی اینکه اشخاصی که میروند به اروپا عالم بر میگردند و جودشان قیمت دارد برای مملکت. بنده عرض میکنم اینطور نیست و بر عکس است زیرا اگر مملکت از وجود شخص عالم استفاده نکند این شخص با آن شخص علم هیچ فرقی ندارد بلکه شخص غیر عالم که مملکت از وجودش استفاده نکند به شخص با علمی که مملکت از او استفاده نکند بهتر است يك قسمت دیگر راجع به آزادی فردی فرمودند آقای: هر کس در معاملات فردی و شخصی يك تقیدی را اختیار می کند یعنی بنده میروم کنترات می شوم و شرط میکنم که شما فلان مساعدت را یا من کنید من هم وقتی برگشتم فلان مساعدت را با شما میکنم بنده باختیار خودم این شرط را میکنم و این چرا بر خلاف آزادی است؟! این شخص باختیار خودش می رود کنترات میشود دولت هم پنج شش سال خرج او را میدهد و او را میفرستد بخارجه البته وقتی برگشت دولت باید از وجود این شخص استفاده کند. دولت بین النهرین - عراق - مصر همه اینکار را کرده اند اینها يك چیزهای غریب و عجیبی است که میفرمایند!! این مثل این است که بنده بروم خانه يك شخصی را اجاره کنم. وقتی اجاره کردم البته ملزم هستم که پول بصاحب خانه بدهم آنوقت موقع پول دادن بگویم خیر من پول تو را نمیدهم زیرا آزادی من از بین می رود

دیگر اینکه میگویند مریض میشود. اگر مریض شد که باو حرجی نیست. ممکن است این شخص بمیرد آن وقت که میروند از ورثه اش بگیرند؟ و بالاخره این قیودی را که میاورند برای این است که از آن هرج و مرج هائی که قبلاً بوده است جاو گیری شود. یعنی شاگردی را که دولت برای فن تلگراف میفرستد نرود حقوق تحصیل کند باطرب تحصیل کند و آن چیزی را که دولت محتاج است برود تحصیل کند و بعد هم مشغول همان کار بشود.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فرمند آقایان

موافقین قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - رد شد. پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میدارم جمله بطریق ذیل اصلاح شود

مدارس متوسطه مرکز و ولایات

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - بطوریکه خود آقای وزیر فوائد عامه اظهار فرمودند شاگردان با پول مملکت میروند بخارجه و البته این پول مال تمام مملکت است ممکن است در زوایای مملکت يك اشخاصی باشند که کاملاً بتوانند از عهده مسابقه و امتحاناتی برآیند و معلوماً نشان هم از جوانهای فارغ التحصیل مرکز بیشتر باشد و البته باید از وجود آنها هم استفاده شود از این نقطه نظر است که بنده این پیشنهاد را کردم و امیدوارم آقای وزیر معارف و آقای مخبر هم قبول بفرمایند.

وزیر معارف - بنده تصور میکنم که محتاج به این

قیود نباشد. اولاً از کلمه مسابقه که در اینجا قید شده است میشود استنباط کرد که این مسابقه بوسیله اعلان بایستی بعمل آید محرمانه که نیست ولی برای

اینکه خاطر آقایان بیشتر مطمئن شود در همان نظامنامه اساسی که از طرف شورای عالی معارف وضع شده است تصریح شده است که اعلان مسابقه لا اقل دو ماه قبل از تاریخ شروع به امتحان باید در جرائد منتشر شود و گمان میکنم این مدت برای تمام مملکت کافی باشد و مقصود شورای عالی معارف هم این بوده است که اختصاص بطهران نداشته باشد علاوه در طهران همه جا هست کاشانی هست آذربایجان هست و بالاخره این مسئله در تمام جرائد اعلان میشود و اختصاص بیک نقطه معینی نخواهد داشت چون در نظامنامه تصریح شده است که دو ماه باید فاصله باشد و با وسائل نقلیه که امروز هست گمان میکنم دو ماه هم کافی باشد و انگهی در تمام ایالات و ولایات روی هم رفته امروزه دو مدرسه متوسطه کامل بیشتر نیست و بقیه ناقص است که فعلاً شامل این شرائط نمیشود.

رئیس -- رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد.

پیشنهاد آقای دهستانی: اصلاح ذیلرا بتبصره دوم اضافه و پیشنهاد میکنم
شاگردان مدرسه بی سیم و اولاد مستخدمین تلگرافخانه و اشخاص بی بضاعت با رعایت نظامنامه شورای معارف مقدم خواهند بود.

رئیس -- آقای دهستانی

دهستان -- بنده عقیده ام اینست که این سه فقره را که پیشنهاد کردم نسبت بسایرین استحقاقشان بیشتر است اولاً شاگردان مدرسه بی سیم در داخله مملکت مدنی است مشغول تحصیل هستند بنده عقیده ام این است که اینها حق تقدم داشته باشند که در خارجه بتوانند تحصیلات خودشان را تکمیل کنند. قسمت دوم راجع

باطفال اعضاء تلگرافخانه است البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که اینها هم اخلاقاً باین عمل بهتر آشنا هستند. طبقه سوم هم اشخاص بی بضاعت هستند و انصاف هم مقتضی است که دولت مساعدت کند که اینها هم حق تقدم داشته باشند دیگر بسته است بنظر آقایان.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- در این پیشنهادی که آقای دهستانی فرموده اند يك کلمه نوشته شده است (مطابق نظامنامه شورای عالی معارف) اولاً این را ما نمیتوانیم تصدیق کنیم. ثانیاً بعد از اینکه ما قرار دادیم بطور مسابقه باشد در اینجا امتیاز فضلی رعایت خواهد شد خواه فقیر باشد یا غنی بنده کسی هستم که فقیرم و طرفدار فقیرم لیکن امتیاز فضلی را بر فقر ترجیح میدهم اگر امتیاز فضلی در بین بیابان اهالی مملکت همه عالم میشوند و بالاخره وقتی ما امتیاز فضلی را در اینجا قائل شدیم کفایت میکند. ثالثاً راجع بشاگرد های مدرسه تلگراف بی سیم در کمیسیون بودجه يك مذاکره ای شد در اینجا مذاکره کردند که باید حتماً شاگردان مدرسه متوسطه باشند و شش کلاس را تمام کرده باشند زیرا اگر غیر از این باشد نمیتوانند کار کنند پس همین چیزی را که کمیسیون در تبصره و ماده قرار داده است بهتر است و آقا هم خوبست موافقت فرمایند

رئیس -- رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس -- تصویب نشد.

(پیشنهاد دیگری بضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل علاوه شود.
تبصره: از پنج نفر محصل که بخارجه برای تکمیل تلگراف بی سیم اعزام میشود دو نفر از مرکز و سه نفر از ایالات اعزام شود.

بنی سلیمان -- امضاء ندارد.

دکتر رفیع خان -- پیشنهاد از بنده است امضایش را فراموش کرده ام.

رئیس -- بفرمائید

دکتر رفیع خان -- ما غالباً در ولایات جوانهائی داریم که تحصیل کرده اند چه در داخله و چه در خارجه و شاید فوق العاده هم مستعد هستند ولی بواسطه دوری از مرکز غالباً از جریاناتیکه در مرکز میشود محرومند و از امتحاناتیکه در مرکز میشود اطلاع پیدا نمیکند و نمیتوانند شرکت کنند در صورتیکه ممکن است کاری کرد که این قبیل اشخاص هم در این فضا با شرکت کنند که آنها را هم بطور مسابقه بپذیرند و اگر این اصل مراعات شود اسباب تشویق جوانهائی خارج از مرکز هم خواهد شد باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم و امیدوارم آقایان هم قبول فرمایند

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- خورده خورده باید باور کنیم که بعضی کلمات دارد اسباب زحمت میشود يك وقتی گفته میشود مالک محروسه ایران حالا باز صحبت مرکز و ولایات می در مجلس تکرار میشود و بنده تکرار این مسائل را مفید نمیدانم بنده عرض میکنم که اردبیل و آباءه و سبزوار و خوی هیچ فرق ندارد و بالاخره باید این عناوین از بین برود این اشخاصی که رفته اند بخارجه و تحصیل کرده اند و برگشته اند غالباً اهل ولایات هستند و اینهاست که فعلاً در خارجه هستند همینطور و بالاخره ما که در اینجا قید نکردیم که باید طهرانی باشد و بطور مطلق نوشته ایم خواه طهرانی باشند یا از جای دیگر آقای وزیر معارف فرمودند که دو مدرسه متوسطه بیشتر در ولایات نداریم اگر چنانچه دبلمه ها یعنی صاحب تصدیقنامه های آن مدارس در طهران حاضر شدند و در مسابقه شرکت کردند و حق تقدم را گرفتند البته آنها را اعزام میکنند آنها را که منع نکرده اند
رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات

(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را بماده الحاقیه پیشنهاد میکنم.
تبصره -- دولت مکلف است يك نظامنامه برای کلیه محصلین اعزامی به اروپا تدوین و بعد از تصویب هیئت وزراء بموقع اجرا بگذارند.

رئیس -- آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات -- بنده این پیشنهاد را قبل از آن توضیحانی که آقای وزیر معارف بدهند تقدیم کردم حالا که مراقبت کامل میشود مسترد میدارم.

رئیس -- پیشنهاد آقای تقی زاده.

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بجای تعیین مدت قید شود: تا مدتیکه تحصیلات آنها تماماً و عملاً کامل بشود.

رئیس -- آقای تقی زاده

تقی زاده -- بنده این اجازه را خواستم برای اینکه شاید در نتیجه توضیح بنده آقای مخبر قبول فرمایند چون میل ندارم که این پیشنهاد قابل توجه شود و دو مرتبه برود بکمیسیون در مسئله مدت بعضی ها مخالفت کردند بعضی ها هم بیاناتی کردند که جواب آنها داده نشد که چرا این شش سال در اینجا قید شده است این شش سال را بنده در پیشنهاد خودم قید کرده بودم و مقصودم این نبود که حکماً شش سال آنها را در آنجا بگذارند. یکی از آقایان گفتند. اگر چهار سال تمام شد چه باید کرد؟ بنده با تمام قسمتهائی که کمیسیون تنظیم کرده و راپورت داده است موافق هستم ولی چون آقای وزیر معارف بیان کردند که بعضی از اینها مثل مسابقه و غیره در نظامنامه هست ممکن است از آنها صرف نظر کنیم بنده در مسئله مدت میخواهم خاطر آقایان اعضاء مجلس را به این نکته متوجه بسازم که نه تنها حالا بلکه در آینده هم ما اگر میخواهیم يك محصلینی بخارجه بفرستیم باید آن نتیجه که منظور ما است بعمل بیاید یعنی

اینها بر کردند و جای آن متخصصین و خبره هائی که در ایران هستند بگیرند باید يك مدت كاملی برای تکمیل علم و عمل در آنجا بمانند زیرا این محصلین را که ما میفرستادیم پس از دو سال که بر میگشتند بدون علم و عمل بر میگشتند و در میان آنها کسی که بتواند جانشین مستخدمین خارجه بشود نبود. حالا اگر چه هستند ولیکن کم هستند بنا بر این لازم است که در اینجا قید شود که عملاً و عملاً در درجه اعلی آتقدر که ممکن است تحصیلات خودشان را کامل کنند همچنین در مسئله مدرسه متوسطه خواستیم این را عرض کنم که شبهه باقی نماند که مقصود فارغ التحصیل آن کسی است که شش کلاس متوسطه را طی کرده باشد و اگر آقای مخبر قبول فرمایند که هیچ مدت قید نشود نوشته شود و علم و عملشان به درجه کامل باشد بدینست والا اصراری ندارم

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- مقصود آقای آقای تقی زاده کاملاً در ماده پیدش بینی شده است و آن این است که در اینجا نوشته شده است تکمیل کنند این کلمه شوخی که نیست تعارف هم که نیست. تکمیل بمعنی این است که کامل شود دیگر قید به حد اعلی لزومی ندارد و بنده لازم نمیدانم که این قیود در بین باشد و باید سعی کرد که کلمات به معنای حقیقی خودش باشد وقتی که ما در قانون مینویسیم يك فنی را تکمیل بکنند دیگر این قیود لازم نیست و البته اگر لازم شد که بکسال دیگر هم برای تکمیل آن فن در آنجا بماند این مانعی ندارد و البته میباید بعلاوه این قسمتها يك قسمتهای عملی است تئوری که نیست مهندسی يك فن عملی است يك چیزی نیست که اول بروند تئوری یاد بگیرند و البته عملاً یاد خواهند گرفت قید شش سال را هم که ما گفتیم لازم نیست از این لحاظ بود که شاید در مدت پنجسال تحصیلاتش تمام شد با هفت سال شد بالاخره اینها در حوزه مسؤولیت وزارتخانه ایست که اینها را میفرستد و این

اعزام این اشخاص در ضمن بودجه ۱۳۰۶ منظور خواهد شد در صورتیکه مخارج اینها در ظرف چند سال خواهد شد و مقصود بنده این بود که این اشکال رفع شود رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- مقصود از اینکه مخارج اعزام محصلین در سال ۱۳۰۶ باید تصریح شود راجع به بودجه يك ساله است و البته در هر سالی مخارج محصلین را باید در بودجه همان سال منظور کنند بودجه هم برای يك سال است و البته این بدیهی است که مخارج سنوات آتی را در امسال مینویسند

مخبر -- اگر آن کلمه (در) تبدیل به (از) بشود مقصود آقای ارباب را نامین میکنند. از سنه ۱۳۰۶ رئیس -- مخالفی ندارد.

(گفتند -- خبر)

رئیس -- کلمه (در) تبدیل میشود به (از) رأی میگیریم با اوراق آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد. (اخذ آراء بعمل آمده هشتاد و هفت ورقه سفید تعداد شد)

رئیس -- عده حاضر ۹۸ با ۸۷ رأی تصویب شد.

اسامی رأی دهندگان

آقایان: محمود رضا -- فرهنگد -- اعتبار -- محمد ولی میرزا -- کی استوان -- عراقی -- خواجوی -- شیخ الاسلام ملایری -- بامداد -- عمادی -- میرزا هاشم آشتیانی -- امیر حسینخان ابلخان -- دکتر هادی طاهری -- دادگر فهیمی -- امام جمعه شیراز -- شیروانی -- احتشام زاده دشتی -- دکتر سنگ -- میرزا ابراهیم خان قوام -- سلطان محمد خان عامری -- فرمند -- میرزا احسن آبه الله زاده -- جوانشیر بهبهانی -- بهار -- بدر -- کازرونی -- آوانس خان مساعد میرزا ابراهیم آشتیانی -- امام جمعه اهر -- تقی الاسلامی میرزا عبد الباقی -- یاسائی -- طباطبائی دیبا -- موقر حاج غلامحسین ملک -- معظمی -- دولتشاهی -- حاج آقا رضا رفیع -- میرزا عبد الله خان وثوق -- جلای -- آقازاده

سبزواری -- مرتضی قلیخان بیات -- حاج علی اکبر امین سید حسین آقایان -- نوبخت -- دهستانی -- اسدی -- مهدوی محمد تقیخان اسعد -- سید جواد محقق -- ملک ابرج پور تیمور سهراب خان ساکینیان -- امیر تیمور کلالی -- اعظمی -- ذوالقدر نگهبان -- افسر -- معتضد استرآبادی -- پالیزی -- ارباب -- کیخسرو -- خوئی -- عصر انقلاب -- عدل -- حاج آقا حسین زنجانی میرممتاز -- سید کاظم زدی -- امیر اسد الله خان عامری آقا علی زارع -- مفتی -- ابراهیمی -- دکتر رفیعخان امین ملک آرائی -- اسکندر خان مقدم -- رکی طباطبائی دکتر مصدق -- اسکندری -- حق نوبس -- دکتر لقمان -- نجومی افشار -- افخمی -- بنی سلیمان -- دیوان بیگی -- زوار

رئیس -- آقای حاج میرزا مرتضی شرحی نوشته اند و مخالفت خودشان را با انتخابات سراب مسترد کرده اند. آقای محمد ولی میرزا هم پیشنهاد کرده اند که در این جلسه بنجر شعبه دوم رأی گرفته شود. آقای موقر هم ختم جلسه را پیشنهاد کردند.

موقر -- بنده هم با گرفتن رأی موافقم

رئیس -- آقای بیات

بیات -- از قراریکه معلوم میشود عده کافی نیست گمان میکنم همانطور که آقای موقر هم پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود و رأی در این موضوع بماند برای جلسه بعد.

رئیس -- معلوم میشود عده کافی نخواهد بود جلسه را امروز ختم میکنیم در روز بعد رأی میگیریم جلسه آتی روز پنجشنبه و دستور هم لایحه راجع بفوائد عامه است.

حاج آقا رضا رفیع -- لایحه راجع بوزارت خارجه خوبست مقدم باشد.

رئیس -- روز پنجشنبه رأی میگیریم. خبر کمیسیون حسابات راجع به مقبره فردوسی هم جزو دستور است.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

قانون

اجازه استخدام سه نفر متخصص تلگراف بی سیم تبعه فرانسه

مصوب ۶ تیر ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - دولت مجاز است عند الاقتضاء سه نفر متخصص تلگراف بی سیم که ملیت و تابعیت فرانسه را دارا باشند و نحص آنها را دولت فرانسه تصدیق کرده باشد برای مدت دو سال استخدام نماید حقوق ماهیانه سه نفر متخصصین مزبور از هفتصد و پنجاه تومان تجاوز نخواهد کرد و از اعتبار مصوب بودجه بیسیم پرداخته خواهد شد و مبلغ یک هزار و هشتصد تومان برای خرج مسافرت آنها ذهاباً و ایاباً بدولت اعتبار داده می شود

ماده دوم - چنانچه هر یک از مهندسین متخصص مزبور سه ماه متوالی بواسطه عارضه کسالت که بتصدیق طبیب سحی مانع انجام وظیفه باشد از خدمت معذور باشد برای این مدت حق در یافت حقوق دارند و نیز دولت می تواند هر وقت بخواهد کنترات آنها را فسخ نموده معادل سه ماه حقوق اضافه خرج مسافرت بانها بپردازد - در صورتیکه مهندسین مزبور قبل از انقضای کنترات خود استعفا بدهند علاوه بر مدت خدمت انجام شده حقوقی بآنها پرداخت نگردیده و خرج سفر هم بانها داده نخواهد شد

ماده سوم - وزارت پست و تلگراف مأمور اجراء و مجاز است سایر شرایط کنترات متخصصین مذکور فوق را مطابق ماده دوم قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و کنترات آنها را امضاء نماید

ماده الحاقیه - دولت مکلف است از بین فارغ التحصیل های قسمت علمی مدارس متوسطه پنج نفر محصل بطور مسابقه برای آموختن فن الکتریسته و مهندسی تلگراف بی سیم با اروپا اعزام و مخارج آن را در ضمن بودجه پست و تلگراف از ۱۳۰۶ منظور دارد

تبصره ۱ - محصلین اعزامی باید کنترات شده و ملتزم گردند که پس از تکمیل تحصیلات خود با حقوق معین مشغول خدمات دولتی شوند

تبصره ۲ شاگردان مدرسه تلگراف بی سیم و اشخاص بی بضاعت با تساوی شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت

این قانون که مشتمل بر سه ماده و یکماده الحاقیه است در جلسه ششم تیر ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا